**نام مقاله: عوامل مؤثر در انتخاب رشته تحصيلي وتغيير نگرش دانشجويان كتابداري و روانشناسي باليني در دانشگاه شهيد چمران اهواز**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 22 \_ شماره دوم ، جلد 6**

**پديدآور: دكتر زاهد بيگدلي، زويا آبام**

**چكيده**

**در اين تحقيق عوامل دخيل در انتخاب رشتة تحصيلي توسط دانشجويان رشته‌هاي كتابداري و روانشناسي باليني ورودي 77 دانشگاه شهيد چمران اهواز و نيز عوامل مؤثر در تغيير نگرش دانشجويان در طول دورة تحصيل نسبت به رشتة خويش شناسايي شده است.**

**نتايج نشان مي‌دهد كه اكثريت دانشجويان كتابداري، رشتة تحصيلي خود را بدون شناخت درست و علاقة واقعي انتخاب كرده‌اند و در مقايسه با دانشجويان روانشناسي، از انگيزه و رضايت كمتري برخوردارند. با اين‌كه دانشجويان كتابداري نسبت به استخدام و آينده شغلي خويش اميدوارتر هستند، درصد قابل توجهي از آنان بي‌تفاوت به تحصيل خود ادامه مي‌دهند. همچنين دانشجويان كتابداري از محتوا و سرفصل بسياري از دروس خود ناراضي هستند و آن‌ها را غير‌روزآمد و نامناسب مي‌دانند، درحالي كه اين موضوع دربارة دانشجويان روانشناسي صدق نمي‌كند.**

**يافته‌ها نشان مي‌دهد كه نگرش دانشجويان كتابداري در طول دورة تحصيل نسبت به رشتة خود در 8 موضوع از 10 موضوع مورد مطالعه، مثبت‌تر شده است. در مقايسة نگرش دانشجويان دو گروه معلوم شد كه نگرش دانشجويان كتابداري نسبت به رشتة تحصيلي خود با نگرش دانشجويان روانشناسي نسبت به رشتة تحصيلي خود، هم در ابتدا و هم در انتهاي دوره تفاوت معنا‌داري دارد و دانشجويان روانشناسي از نگرش مثبت‌تري برخوردارند.**

**كليدواژه‌ها: دانشجويان كتابداري، نگرش دانشجويان، رشتة كتابداري، رشتة روانشناسي باليني**

**مقدمه**

شناسايي عوامل دخيل در انتخاب رشتة تحصيلي دانشجويان امري مهم و ضروري محسوب مي‌شود، زيرا انتخاب رشته‌اي كه با علاقه، سليقه، استعداد و توانايي فرد در تعارض باشد اثرات درازمدت و نامطلوب رواني، اجتماعي و اقتصادي را در پي خواهد داشت.

سيل عظيم قشر مشتاق ورود به دانشگاه از يك سو و تخصصي‌شدن مشاغل، پايين‌بودن فرصت‌هاي شغلي، مشكلات اقتصادي/ اجتماعي و رواني از سوي ديگر عواملي هستند كه بخشي از اين جمعيت را ناگزير به انتخاب نامناسب رشتة تحصيلي مي‌كنند.

داوطلبان كنكور با اميد كسب موقعيت و جايگاه قابل احترام و بهره‌وري از مزاياي اقتصادي تحصيلات عالي و بسياري انگيزه‌هاي ديگر، اشتياق فراواني به حضور در دانشگاه از خود نشان مي‌دهند. ولي اين هجوم به تحصيلات عالي و عدم توسعة دانشگاه‌ها، به ناكامي بيش از 80 درصد از داوطلبان كنكور منجر مي‌شود.

به‌هرحال از ميان كساني‌كه موفق به عبور از سد‌ّ كنكور و ساير مشكلات ورود به دانشگاه مي‌شوند تعداد بسياري به‌دليل نارضايتي از رشتة تحصيلي خود، از ادامة تحصيل منصرف مي‌شوند و يا نااميدانه تن به ادامة تحصيل مي‌دهند. چون تدوين برنامه‌اي صحيح و دقيق براي بهينه‌كردن شيوة پذيرش دانشجو و تأمين آتيه آنان، نقش بسزايي در توسعه و پيشرفت كشور دارد، آموزش وتربيت دانشجويان بر مبناي انگيزه‌هاي دروني و استعدادهاي آنان از مهم‌ترين وظايف برنامه‌ريزان كشور است.

بنابراين همسوكردن علائق و توانايي‌هاي اين قشر با نيازها و امكانات موجود در جامعه از وظايف اصلي دستگاه آموزشي و فرهنگي كشور شمرده مي‌شود. بررسي و هدايت اين ويژگي‌ها و نيازها در راستاي برنامه‌ريزي در سطوح پيش‌دانشگاه و ايجاد جاذبه براي رشته‌هايي كه جامعه به آن‌ها نياز دارد مفيد خواهد بود. مشكلات موجود در فرايند انتخاب رشته و تبعات آن، انگيزة اصلي اين تحقيق بوده است.

هدف اين تحقيق، شناسايي عوامل موثر در انتخاب رشتة تحصيلي در بين دانشجويان رشته‌هاي كتابداري و روانشناسي باليني دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه شهيد چمران اهواز و بررسي تغيير نگرش احتمالي اين دو گروه از دانشجويان نسبت به رشتة تحصيلي خود در طول دورة تحصيل است.

دليل اصلي انتخاب دانشجويان كتابداري و روانشناسي اين است كه از تجارب شخصي يكي از پژوهشگران در طي بيش از ده سال آموزش به اين دانشجويان چنين بر مي‌آيد كه نارضايتي از رشته در ميان دانشجويان كتابداري بيش از همه، و در بين دانشجويان روانشناسي باليني كمتر از همه است.

**پيشينة پژوهش در خارج**

در بسياري از كشورها مسئلة انتخاب رشتة تحصيلي توج‍ّه پژوهشگران را به‌خود جلب كرده است.

«جكسون» (1982) در تبيين رفتارهاي دانشجويان در جهت‌گيري‌هاي بعد از آموزش متوسطه معتقد است كه دانشجويان دانشگاه‌هاي آمريكا در جريان انتخاب رشته در هاله‌اي از عوامل قرار مي‌گيرند كه ممكن است در هر مرحله آنان را با شكست يا موفقيت مواجه سازد. برخي از اين عوامل مثل خصوصيات خانوادگي و فردي تحت كنترل دانشجو نيستند، ام‍ّا عواملي همچون نظر افراد مطلع و مرجع، سياست‌ها و راهبردهايي كه فرد به‌منظور تماس با دانشگاه براي انتخاب رشته در پيش مي‌گيرد، يا فعاليت‌هايي كه براي پيشرفت تحصيلي خود انجام مي‌دهد و همچنين نحوة اثرپذيري دانشجويان از منابع و افراد مطلع، به‌طور ارادي انجام مي‌گيرد. اين منابع و افراد مطلع ممكن است دوستان، معلمان، مشاوران و والدين باشند.

«ديويي» (1985) در تحقيق خود 445 دانشجوي ورودي سال‌هاي 1981 تا 1983 دانشكدة كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه اينديانا را مورد مطالعه قرار داد. از مهم‌ترين دلائل ارائه‌شده براي انتخاب رشته كتابداري توسط اين دانشجويان، به نقش كتابداران شاغل در شناساندن اين رشتة به دانش‌آموزان و نقش مشاوران و استادان و مسئولان در ارتباط با معرفي رشته و همچنين نقش دانشجويان اين رشته در راهنمايي دوستان خود اشاره شده‌است. در همين سال «ريگان» (1985) نيز به نتايج تقريباً مشابهي دست يافت.

«بكر» (1988) در تحقيق خود بر روي 176 نفر دانشجو به اين نتيجه رسيد كه نه تنها والدين در انتخاب رشته دانشجويان نقش اساسي دارند، بلكه دوستان و همكلاسي‌ها و به‌طور كلي منابع مرجع و مطلع كه او به عنوان زمينة اجتماعي يا افراد مرجع از آن‌ها ياد مي‌كند، ممكن است در انتخاب رشتة دانشجويان نقش اساسي ايفا كنند.

تحقيقات فوق در كشورهاي مختلف با نظام‌هاي گوناگون گزينش و نيز با بافت فرهنگي/ اقتصادي متفاوت انجام گرفته. روشن است كه تعميم اين عوامل به ديگر كشورها، منطقي و ممكن نخواهد بود. ام‍ّا بررسي اين پژوهش نشان مي‌دهد كه عوامل اثرگذار در انتخاب رشتة تحصيلي دانشجويان در همة كشورها وجود دارند، اگرچه نوع و شد‌ّت آن‌ها در هر جامعه‌اي متفاوت است.

**پيشينة پژوهش در ايران**

مطالعه دربارة دلايل انتخاب رشتة‌تحصيلي و نارضايتي از آن، در كشور ايران پديدة تازه‌اي نيست. در پژوهشي كه در سال 1342 روي 166 دانشجو از رشته‌هاي مختلف انجام شد اين نتايج به دست آمد: 37 نفر مزاياي مادي، 29 نفر كسب عنوان اجتماعي، 9 نفر كسب مدرك تحصيلي (بدون در نظر گرفتن نوع آن)، 43 نفر كسب معلومات در رشتة معين، 25 نفر به‌دست‌آوردن شغل، و 23 نفر كسب معلومات بيشتر را به عنوان دلائل ادامة تحصيل خود عنوان كرده‌اند (كتابچي، 1343).

پژوهش ديگري كه در سال 1368 دربارة انتخاب رشتة قبولي انجام شد نشان مي‌دهد كه اكثريت قابل توجهي از دانشجويان كه رشتة انتخابي آن‌ها در اولويت چهاردهم (يعني آخرين اولويت در آن سال‌ها) قرار داشته‌ به اين رشته علاقه چنداني نداشته‌اند و با آن‌كه شناخت كافي از آن نداشته‌اند، شايد مشكلات ورود به دانشگاه و بسياري دلايل ديگر باعث ادامة تحصيل شده است (صالحي، 1369).

در سال 1369 نيز تعداد كمي از دانشجويان در رشتة مورد نظر خود قبول شدند. اگر پنج رشتة اول انتخابي دانشجو، رشته‌هاي مورد علاقة او فرض شوند، بازهم فقط نيمي از دانشجويان در آن سال توانستند در رشته‌هاي مورد علاقة خود قبول شوند. نيم ديگر، علاقه به رشتة تحصيلي خود را در مقياس «تاحدودي» و «كم» تعيين كردند. در سال 1370 فقط 8/8 درصد از دانشجويان در ده انتخاب اول خود در دانشگاه‌ها پذيرفته شدند، ام‍ّا اين رقم در سال 1371 به حدود 50 درصد افزايش يافت (مشهدي تفرشي، 1372).

پژوهشي كه در سال 1372 بر روي تعدادي از دانشجويان مقطع كارشناسي كتابداري انجام شد نشان مي‌دهد كه مهم‌ترين عامل انتخاب اين رشته توسط دانشجويان، رتبة آزمون داوطلب بوده، و 66 درصد دانشجويان، آن ‌را علت عمدة انتخاب اين رشتة تحصيلي دانسته‌اند. عوامل ديگر مانند تشويق والدين، امكان ادامة تحصيل در مقاطع بالاتر، توصية دوستان و آشنايان، و علاقه به ‌كتاب به ‌طور مساوي مورد اشاره قرار گرفته ‌است. 50 درصد پسران و 40 درصد دختران اصلاً به اين رشته علاقه نداشتند و تنها 15 درصد از دانشجويان از شناخت لازم براي انتخاب اين رشته برخوردار بودند و 85 درصد بقيه با شناخت اندك يا بدون شناخت، اين رشته را انتخاب كرده بودند (مشهدي تفرشي، 1372).

آخرين پژوهش مورد اشاره در اين زمينه، تحقيق «دياني» (1381) است كه در طي آن، نظر دانشجويان رشتة كتابداري دانشگاه فردوسي دربارة اين رشته، ميزان آشنايي آنان با رشته در هنگام انتخاب رشته، و عملكرد تحصيلي آنان مورد مطالعه قرار گرفته است. وي از نبود شناخت و علاقه در دانشجويان در ابتداي دوره، علاقه‌مندي تدريجي آنان در طول دوره، رضايت بيشتر آنان از دروس تخصصي، كمبود امكانات عملي كار با رايانه، نگراني دانشجويان از ضعف در زبان انگليسي، ضرورت معرفي رشته به داوطلبان قبل از ورود به دانشگاه، و ... سخن مي‌گويد.

**سؤال‌هاي اصلي پژوهش**

تحقيق حاضر بر آن است تا به سؤال‌هاي زير پاسخ گويد:

1. عوامل اصلي مؤثر در انتخاب رشته در بين دانشجويان كتابداري و روانشناسي كدام‌اند؟

2. در هنگام انتخاب رشته، دانشجو از رشتة انتخابي خود چقدر شناخت دارد و از چه راهي اين شناخت را به دست آورده است؟

3. در ابتداي دورة تحصيل، نگرش و طرز تلقي دانشجو نسبت به رشتة تحصيلي خود چگونه است؟

4. چه تغييراتي در نگرش دانشجويان در طول مدت تحصيل به وجود آمده است؟

5. آيا بين نگرش دانشجويان كتابداري و روانشناسي نسبت به رشتة خود تفاوت معنا‌داري وجود دارد؟

**ابزار و روش پژوهش**

اين پژوهش يك تحقيق پيمايشي طولي است و در آن از پرسشنامه‌اي كه توسط پژوهشگران ساخته شد استفاده گرديدكه شامل اطلاعات فردي و همچنين تلفيقي از پرسش‌هاي بلي/ خير و تعداد ده سؤال با طيف ليكرت بود كه هر‌كدام پنج گزينه داشتند. اعتبار پرسشنامه هم از طريق اعتبار صوري و هم از طريق همبستگي بين متغير نگرش و سؤالي كه نشان‌دهندة موقعيت كلي رشته نزد دانشجو در هنگام انتخاب رشته، و بيانگر ميزان علاقة وي به رشتة انتخابي بود، سنجيده شد (89/.=r) كه معلوم مي‌گردد پرسشنامه از اعتبار قابل قبولي برخودار است.

پرسشنامه بين دانشجويان رشته‌هاي كتابداري و روانشناسي باليني ورودي 77 دانشكده علوم تربيتي و روانشناسي دانشگاه شهيد چمران توزيع و در دو مرحله (خرداد 1378 و خرداد 1380) توسط آن‌ها پاسخ داده‌شده است. آنچه در دنبال مي‌آيد شامل پاسخ‌هاي داده‌شده به سؤال‌هاي پرسشنامه است كه در دو بخش اطلاعات ‌فردي و سؤال‌هاي اصلي پژوهش مورد تجزيه و تحليل قرار مي‌گيرند.

**اطلاعات فردي**

**جنس و رشتة تحصيلي**

57/69 درصد از دانشجويان رشتة كتابداري را دختران و 43/30 درصد را پسران تشكيل مي‌دهند. دانشجويان دختر رشتة روانشناسي 64 درصد و پسران دانشجوي اين رشته 36 درصد هستند.

**نوع و معد‌ّل ديپلم**

دانشجويان هر دو رشته عمدتاً داراي ديپلم تجربي يا علوم انساني هستند. بيش از ‌65درصد قبول‌شدگان رشتة كتابداري داراي ديپلم تجربي، و 35 درصد بقيه داراي ديپلم رياضي، انساني و ديگر رشته‌ها مي‌باشند. 40 درصد از دانشجويان رشتة روانشناسي داراي ديپلم تجربي، 48 درصد ديپلم انساني و 12 درصد داراي ديپلم رياضي و ديگر رشته‌ها هستند.

براي بررسي وضعيت معد‌ّل اين دو گروه دانشجويان، معد‌ّل آن‌ها به پنج طبقه تقسيم شد و تعداد درصد فراواني هر طبقه به تفكيك رشتة تحصيلي مشخص گرديد. نتايج نشان داد كه درميان دانشجويان رشتة كتابداري 13/39 درصد داراي معد‌ّل ديپلم بين 10 تا 99/13 و 87/60 درصد ديگر داراي معد‌ّل 14 تا 20 هستند.

بيشترين درصدها متعلق به طبقه‌هاي 12 تا 99/13 و 16 تا 99/17 هريك با 06/26 درصد است. از سوي ديگر 79/15 درصد از دانشجويان روانشناسي داراي معد‌ّل 12 تا 99/13 و 21/84 درصد ديگر داراي معد‌ّل 14 تا 99/17 هستند. معد‌ّل هيچيك از دانشجويان روانشناسي در طبقه‌هاي 10 تا 12 و 18 تا 20 قرار نداشت.

از مقايسة معد‌ّل‌ها چنين نتيجه مي‌شود كه پراكندگي معد‌ّل در بين دانشجويان رشتة كتابداري بيش از دانشجويان روانشناسي مي‌باشد و معد‌ّل‌هاي خيلي بالا و خيلي پايين در دانشجويان كتابداري بيش از دانشجويان روانشناسي است؛ درحالي‌كه معد‌ّل دانشجويان روانشناسي همگن‌تر، و تقريباً در حد متوسط به بالا مي‌باشد. علت پراكندگي بيشتر معد‌ّل ديپلم دانشجويان كتابداري ممكن است به دليل مجاز بودن گروه‌هاي مختلف آزمايشي كنكور به انتخاب رشتة كتابداري باشد.

**معد‌ّل كل دانشجو**

74/21 درصد از دانشجويان كتابداري معد‌ّل 12 تا 99/13، و 26/78 درصد ديگر داراي معد‌ّل بين 14 تا 99/17 مي‌باشند و بيشترين تعداد (52/56 درصد) مربوط به طبقة 14 تا 99/15 مي‌باشد. در دانشجويان روانشناسي، كمترين تعداد يعني 12 درصد داراي معد‌ّل 12 تا 99/13 هستند و بيشترين تعداد (40 درصد) متعلق به طبقة 14 تا 99/15 مي‌باشد. در كل 76 درصد آن‌ها داراي معد‌ّلي بين 14 تا 99/15 و 12 درصد نيز داراي معد‌ّل 18 تا 20 بودند. هيچ‌يك از دانشجويان كتابداري داراي معد‌ّل بين 18 تا 20 نبودند.

از مقايسة معد‌ّلها چنين نتيجه مي‌شودكه جز در موارد اندك، معد‌ّل اين دو گروه از دانشجويان بيشتر در فاصلة بين 14 تا 99/17 قرار گرفته و در واقع داراي معد‌ّل‌هاي متوسط و متوسط به بالا هستند.

**نتايج مرتبط با سؤال‌هاي اصلي پژوهش**

**عوامل مؤثر در انتخاب رشته**

بررسي علل و انگيزه‌هاي اصلي انتخاب رشتة تحصيلي در اين دو گروه از دانشجويان نشان داد كه 78/34 درصد از دانشجويان كتابداري و 07/62 درصد از دانشجويان روانشناسي رشتة تحصيلي خود را به دليل علاقه انتخاب نموده‌اند، و 13/39 درصد دانشجويان كتابداري و 24/17 درصد از دانشجويان روانشناسي به دليل قبول نشدن در رشتة ديگر و صرفاً به خاطر ورود به دانشگاه، اين رشته‌ها را انتخاب كرده‌اند.

34/10 درصد دانشجويان روانشناسي با اعتقاد به بالابودن موقعيت و اعتبار اجتماعي اين رشته آن را انتخاب كرده‌‌اند، درحالي‌كه هيچيك از دانشجويان كتابداري با اين اعتقاد، رشتة خود را انتخاب نكرده‌اند.

09/26 درصد از دانشجويان كتابداري و 90/6 درصد از دانشجويان روانشناسي به دليل ديگري از جمله اشتباه در انتخاب رشته، مرتبط بودن شغل كنوني آنان با رشته، يا براي بورسيه شدن، اين رشته‌ها را انتخاب كرده‌اند.

از بررسي ارقام فوق چنين بر مي‌آيد كه اكثر دانشجويان روانشناسي همانند تمام دانشجويان كتابداري اعتقادي به بالابودن موقعيت و اعتبار اجتماعي رشتة تحصيلي خود و پ‍ُردرآمد بودن آن ندارند، ام‍ّا درصد بالايي از آنان رشتة تحصيلي خود را با علاقه انتخاب نموده‌اند. اين نكته نشان‌مي‌دهد كه ‌جز موقعيت اجتماعي و درآمدزايي رشته، علاقه‌مندي يا عوامل و جاذبه‌هاي ديگري موجب انتخاب يك رشته يا علاقه‌مند شدن دانشجو به يك رشتة تحصيلي خاص مي‌شوند. دياني (1381) اين عوامل را ماندن پشت كنكور، فرار از سربازي، قضا و قدر، آخرين انتخاب‌ها، وضعيت مالي خانواده، و دل به دريا زدن مي‌داند.

**ميزان شناخت از رشته در هنگام انتخاب رشته**

داده‌هاي تحقيق نشان مي‌دهد كه فقط 35/4 درصد (يك نفر) از دانشجويان كتابداري،گزينه «خيلي زياد» را براي ميزان آشنايي خود با اين رشته انتخاب كرده. 30/91 درصد گزينه‌هاي «كم»، «خيلي كم» و اصلاً را انتخاب نموده‌اند كه بيشترين تعداد به گزينه «كم» (48/43 درصد) تعلق دارد. 28 درصد از دانشجويان روانشناسي در هنگام انتخاب رشته نسبت به اين رشته شناخت «خيلي زياد» و 72 درصد شناخت «كم» يا «خيلي كم» داشته‌اند. هيچ‌يك از آنان نسبت به رشتة تحصيلي خود بدون شناخت نبوده‌اند. «دي‍ّاني» (1381) در اين ارتباط مي‌نويسد: ...دانشجويان با كمترين آشنايي به اين رشته (كتابداري) وارد مي‌‌شوند.

بيشترين شناخت نسبت به رشتة تحصيلي در ميان دانشجويان كتابداري به ترتيب از طريق دفترچه راهنماي كنكور (50/37 درصد) و دوستان و آشنايان (25 درصد) به دست آمده. نقش مطالعات و تجارب شخصي، رسانه‌هاي گروهي، والدين و دبيران در حصول شناخت، ضعيف بوده‌است.

در ميان دانشجويان روانشناسي، بيشترين شناخت به ترتيب از طريق دوستان و آشنايان (25 درصد)، مطالعات و تجارب شخصي (73/22 درصد)، و دفترچه راهنماي كنكور (45/20 درصد) به دست آمده و نقش رسانه‌هاي گروهي، والدين ودبيران، ضعيف بوده‌‌است.

**نگرش دانشجو نسبت به رشتة تحصيلي خود در ابتداي دورة تحصيل**

براي مشخص‌شدن اين‌كه دانشجويان هر گروه در چندمين انتخاب خود پذيرفته شده‌اند، اولويت‌هاي انتخابي آنان به پنج دسته تقسيم شد. 81/23 درصد از دانشجويان كتابداري، اين رشته را در ده اولويت نخست خود انتخاب كرده‌اند و از اين عده، يك نفر بورسيه، و قبل از ورود به دانشگاه كتابدار بوده‌است. 52/9 درصد در ده اولويت دوم، 05/19 درصد در ده انتخاب سوم، 05/19 درصد در ده انتخاب چهارم و 57/28 درصد بعد از انتخاب چهلم به انتخاب اين رشته دست زده‌اند.به اين ترتيب 19/76 درصد از اين دانشجويان در اولويت‌هاي بالاتر از 20، اين رشته را انتخاب كردند. از اين ميان بيشترين تعداد (57/28 درصد) به اولويت‌هاي بعد از انتخاب چهلم اختصاص دارد.

5/37 درصد از دانشجويان روانشناسي، اين رشته را در ده اولويت نخست خود انتخاب نموده‌اند، 34/33 درصد در ده اولويت دوم، 50/12 درصد در ده اولويت سوم، 33/8 درصد در ده انتخاب چهارم و 33/8 درصد ديگر بعد از انتخاب چهلم اين رشته را انتخاب نمودند. به اين ترتيب، 5/62 درصد، در اولويت‌هاي بالاتر از 20، اين رشته را انتخاب كرده‌اند. از اين ميان بيشترين تعداد (34/33 درصد) به ده انتخاب دوم اختصاص دارد.

در پاسخ به اين سؤال كه «فكر مي‌كنيد اين رشته چقدر براي جامعه مفيد باشد؟» 56/69 درصد از دانشجويان كتابداري «بسيار زياد» و «زياد»، و 44/30 ديگر گزينه‌هاي «خيلي‌كم»، «كم» و «اصلاً» را برگزيدند كه از اين ميان 70/8 درصد به گزينه «اصلاً» تعلق دارد؛ درحالي‌كه 30/91 درصد از دانشجويان روانشناسي معتقدند كه اين رشته براي جامعه «بسيار زياد» و «زياد» مفيد است و 70/8 درصد ديگر گزينه‌هاي «خيلي‌كم» و «كم» را براي پاسخگويي به اين پرسش انتخاب كرده‌اند. هيچ‌يك از اين دانشجويان گزينه «اصلاً» را انتخاب نكرد.

اين ارقام نشان مي‌دهند كه اكثريت قريب به اتفاق دانشجويان روانشناسي و بيش از نيمي از دانشجويان كتابداري به مفيدبودن رشتة خود به ميزان «خيلي‌زياد» و «زياد» اعتقاد دارند. با اين‌حال، هنوز درصد قابل توجهي از دانشجويان كتابداري، رشتة تحصيلي خود را كمتر مفيد مي‌دانند، يا اصلاً مفيد نمي‌دانند. علت اين امر شايد نبود علاقة اولية دانشجو به رشتة تحصيلي، و نيز ديگر عواملي باشد كه در پرسش‌هاي بعدي آمده؛ مثلاً در پاسخ به اين سؤال كه «دروس وسرفصل‌هاي تعيين‌شده براي اين رشته را چقدر مفيد و مناسب مي‌دانيد؟» 91/73 درصد از دانشجويان كتابداري، سرفصل‌هاي دروس رشتة خود را «كم» يا «خيلي‌كم» مفيد مي‌دانند يا «اصلاً» مفيد نمي‌دانند. ولي دانشجويان روانشناسي نگرش مثبت‌تري در اين زمينه دارند و 30/91 درصد آنان، سرفصل‌هاي تعيين‌شده براي اين رشته را «خيلي‌زياد» و «زياد» مفيد مي‌دانند. هيچيك از اين دانشجويان، گزينه‌هاي «كم» و «خيلي‌كم» يا اصلاً» را انتخاب نكرده‌است.

در همين راستا «دي‍ّاني» (1381) مي‌نويسد ...به نظر دانشجويان ... درس‌هاي سال‌هاي اول و دوم در مقايسه با درس‌هاي دبيرستان بسيار ساده وسطحي است و موجب افسردگي دانشجوياني مي‌شود كه از رشته‌هاي رياضي/فيزيك و تجربي به دانشگاه آمده‌اند. سهولت درس‌ها به‌قدري است كه مي‌توان به‌جاي چهار سال، آن را در دوسال و نيم به پايان رساند. «دي‍ّاني» سپس اضافه مي‌كند كه در سال‌هاي سوم و چهارم درس‌ها متنوع‌تر، جذاب‌تر، و قدري دشوارتر مي‌شوند و تمايل به رشته در دانشجويان افزايش مي‌يابد.

علت رضايت بيشتر دانشجويان روانشناسي از سرفصل‌هاي دروس را شايد بتوان در علاقة بيشتر اين دانشجويان به رشتة تحصيلي خود پيدا كرد. از سوي ديگر، به نظر مي‌رسد دروس و سرفصل‌هاي تعيين‌شده براي رشتة كتابداري چنان كه شايسته است نتوانسته در دانشجويان اين رشته ايجاد علاقه نمايد؛ از اين رو لازم است كه با دق‍ّت بيشتري به بررسي اين دروس، و بازنگري و روزآمدكردن عناوين و محتويات دروس، متناسب با نيازهاي جامعه اقدام شود. از آنجا كه رشتة كتابداري و اطلاع‌رساني با سرعت زياد در تحول و دگرگوني است، نزديك‌كردن عناوين و محتويات اين دروس به استانداردهاي جهاني در ترغيب و ايجاد علاقة بسياري از داوطلبان كنكور و دانشجويان اين رشته مؤثر خواهد بود.

**تغيير نگرش**

براي سنجش تغيير نگرش دانشجويان در طول دورة تحصيل، ده سؤال بر طبق مقياس ليكرت با پنج گزينه تهيه شده بود كه به ترتيب نظر دانشجويان را دربارة سؤال‌هاي زير جويا مي‌شد:

ميزان علاقه به رشته، ميزان مفيد‌بودن رشته براي جامعه، ميزان تناسب درس‌ها و سرفصل‌ها با نيازهاي كاري جامعه، آيندة شغلي فارغ‌التحصيلان، ميزان كارآيي اساتيد دروس پايه و تخصصي، ميزان شناخته‌شدگي رشته در جامعه، ضرورت تغيير نام رشته به منظور بهتر نشان‌دادن ماهيت آن، ميل به ادامة تحصيل در همين رشته، توصية رشته به ديگران براي ادامة تحصيل، و بالأخره توانايي توضيح دربارة رشته.

در نه مورد به گزينه «خيلي‌زياد» نمره 4، گزينه «زياد» نمره 3، گزينه «كم» نمره 2، گزينه «خيلي‌كم» نمره 1 و گزينه «اصلاً» نمره صفر تعلق گرفت. با توجه به ماهيت سؤال مربوط به ضرورت تغيير نام رشته، نمره گذاري در اين سؤال جهت عكس داشت و بنابراين، بالاترين ميانگين به معناي مثبت‌ترين نگرش نسبت به رشتة تحصيلي است.

براي پي بردن به اين‌كه آيا تفاوت معناداري بين دانشجويان رشتة كتابداري و روانشناسي از نظر نگرش آنان نسبت به رشتة تحصيلي خود وجود دارد يا خير و نيز به‌منظور سنجش تغيير نگرش دانشجويان در طول دورة تحصيل، از آزمون‌هاي «تي‌وابسته**[[1]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn1" \o ")**» و «تي‌مستقل**[[2]](http://www.aqlibrary.org/modules/FCKEditor/pnincludes/editor/fckeditor.html?InstanceName=desc&Toolbar=Default" \l "_ftn2" \o ")**» به شرح زير استفاده شد:

الف) از آزمون «تي وابسته» به‌منظور سنجش تغيير نگرش دانشجويان هر رشته به‌طور جداگانه در ابتدا و انتهاي دوره استفاده شد، كه نتايج آن در جدول‌هاي شماره 1 و 2 نشان داده شده ‌است.

**جدول شماره 1. تغيير نگرش دانشجويان رشته كتابداري در طول دورة تحصيل**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نيمسال** | **تعداد** | **ميانگين** | **انحراف معيار** | **t** | **P** |
| دوم | 17 | 82/18 | 11/6 | 79/9 | 001/0> |
| هفتم | 17 | 11/23 | 89/4 |

همانگونه كه در جدول شماره 1 ديده مي‌شود نگرش دانشجويان رشته كتابداري در طول دورة تحصيل تغيير عمده‌اي كرده و مثبت‌تر شده است. طبق جدول شماره 1، تفاوت نگرش دانشجويان رشتة كتابداري در پايان دوره نسبت به ابتداي دوره در سطح كوچكتر از يك‌هزارم، معنادار است (001/0>P، 79/9=t).

**جدول شماره 2. تغيير نگرش دانشجويان رشتة روانشناسي در طول دورة تحصيل**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **نيمسال** | **تعداد** | **ميانگين** | **انحراف معيار** | **t** | **P** |
| دوم | 21 | 76/24 | 87/3 | 91/8 | 001/0> |
| هفتم | 21 | 45/28 | 82/3 |

جدول شماره 2 نشان مي‌دهد كه نگرش دانشجويان روانشناسي نيز در طول دوره مثبت‌تر شده و در پايان دوره نسبت به ابتداي دوره، از تفاوت معناداري در سطح كوچكتر از يك‌هزارم برخوردار است.

آنگاه براي مقايسة نگرش دانشجويان دو رشته كتابداري و روانشناسي در ابتداي دوره (نيمسال دوم) و همچنين مقايسة نگرش آن‌ها در پايان دوره (نيمسال هفتم) از آزمون «تي‌مستقل» استفاده شد. نتايج اين مقايسه‌ها به ترتيب در جدول‌هاي شماره 3 و 4 ارائه شده‌است.

**جدول شماره 3. مقايسة نگرش دانشجويان رشته كتابداري و روانشناسي در نيمسال دوم**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **رشته** | **تعداد** | **ميانگين** | **انحراف معيار** | **t** | **P** |
| كتابداري | 17 | 82/18 | 11/6 | 64/3 | 01/0> |
| روانشناسي | 21 | 76/24 | 87/3 |

مندرجات جدول شماره 3 بيانگر آن است كه ميانگين نگرش دانشجويان كتابداري در ابتداي دوره (82/18) در مقايسه با ميانگين نگرش دانشجويان روانشناسي در ابتداي دوره (76/24) پايين‌تر مي‌باشد و اين تفاوت از نظر آماري در سطح 99 درصد اطمينان، معنادار است.

**جدول شماره 4. مقايسة نگرش دانشجويان رشتة كتابداري و روانشناسي در نيمسال هفتم**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **رشته** | **تعداد** | **ميانگين** | **انحراف معيار** | **t** | **P** |
| كتابداري | 17 | 11/23 | 89/4 | 78/4 | 001/0> |
| روانشناسي | 21 | 45/28 | 82/3 |

جدول شماره 4 نيز نشان‌دهندة تفاوت معنادار در ميانگين نگرش دانشجويان كتابداري (با ميانگين 11/23) و دانشجويان روانشناسي (با ميانگين 45/28) در انتهاي دوره است. اين تفاوت از نظر آماري در سطح 999 هزارم اطمينان، معنادار است.

به اين ترتيب، نتيجة آزمون‌هاي «تي» نشان داد كه نگرش دانشجويان كتابداري و روانشناسي، هم در ابتداي دوره و هم در انتهاي دوره تفاوت معناداري باهم دارد. در تحليل مورد به مورد اجزاي متغير مربوط به تغيير نگرش، معلوم شد كه نگرش دانشجويان كتابداري نسبت به رشتة تحصيلي خود در 8 مورد از 10 مورد، در طول دورة تحصيل تغيير قابل ملاحظه‌اي يافته و تفاوت در اين 8 مورد، معنادار است و تنها در مورد «ميزان شناخته‌شدگي رشته در كشور» و «تمايل به ادامة تحصيل در همين رشته در مقطع بالاتر»، تفاوت معناداري نيست. ضمناً نگرش دانشجويان روانشناسي در شش مورد، در طول دوره تفاوت معناداري پيدا كرده و در چهار مورد ديگر چنين نبوده. نظر دانشجويان روانشناسي در ابتداي دوره و انتهاي دوره نسبت به «علاقة دانشجويان به رشتة خود»، «مطلوب‌بودن آينده شغلي»، «علاقه به ادامة تحصيل در همين رشته» و «توصية رشته به ديگران براي انتخاب» تفاوت معناداري نداشته‌است.

**يافته‌هاي جانبي تحقيق**

**1. كمك‌گرفتن از ديگران در انتخاب رشته**

83/47 درصد از دانشجويان كتابداري و 60 درصد از دانشجويان روانشناسي، يعني در حدود نيمي از دانشجويان، خود به تنهايي اقدام به انتخاب رشته كرده‌اند و اين نشانگر نقش ضعيف ديگر عوامل، از جمله نظام آموزش و پرورش در انتخاب رشته و هدايت تحصيلي اين دسته از دانشجويان مي‌باشد.

همچنين:

الف) آشنايان و دوستان و اعضاي خانواده (بجز والدين) بيشترين تأثير را در انتخاب رشتة اين دسته از دانشجويان داشته‌اند (66/66 درصد هم براي دانشجويان كتابداري و هم براي دانشجويان روانشناسي).

ب) نقش والدين در هدايت تحصيلي فرزندان خود ضعيف بوده است؛ فقط 67/6 درصد از والدين دانشجويان كتابداري و 67/16 درصد از والدين دانشجويان روانشناسي در انتخاب رشته به فرزندان خود كمك كرده‌اند. البته اين امر ممكن است به كم‌سوادي يا ناآشنايي والدين با پيچيدگي‌هاي انتخاب رشته مرتبط باشد.

ج) دبيران و مشاوران با وجود تماس نزديك با دانش‌آموزان و داوطلبان كنكور، نقش چنداني در هدايت تحصيلي اين دسته از دانشجويان نداشته‌اند (20 درصد براي كتابداري و 67/16 درصد براي روانشناسي). اين امر كه درواقع يك خلأ محسوب مي‌شود، بايد به‌منظور هرچه فع‍ّال‌تركردن مدارس و مراكز آموزشي در هدايت تحصيلي داوطلبان كنكور، مورد توج‍ّه نظام آموزشي كشور قرار گيرد.

**2. علاقه به رشتة تحصيلي**

87/60 درصد از دانشجويان كتابداري به رشتة تحصيلي خود «خيلي‌زياد» و «زياد» علاقه‌مند هستند و 13/39 درصد از دانشجويان ديگر، گزينه‌هاي «كم»، «خيلي‌كم» يا «اصلاً» را انتخاب كردند؛ 04/13 درصداز اين افراد اصلاً به رشتة تحصيلي خود علاقه ندارند.

61/82 درصد از دانشجويان روانشناسي به رشتة تحصيلي خود «خيلي‌زياد» و «زياد» علاقه‌مند هستند و 39/17 درصد از دانشجويان ديگر، گزينه‌هاي «كم» و «خيلي‌كم» را انتخاب كردند. هيچيك از اين دانشجويان گزينه «اصلاً» را انتخاب نكرد.

از اين ارقام چنين بر مي‌آيد كه دانشجويان رشته روانشناسي كه با شناخت بيشتري رشتة تحصيلي خود را انتخاب كرده‌اند، به رشتة تحصيلي خود علاقه‌مند‌ترند.

**3. مطلوبيت آيندة شغلي**

09/59 درصد از دانشجويان كتابداري معتقدند كه آيندة شغلي اين رشته «خيلي‌زياد» و «زياد» مطلوب است و 91/40 درصد از دانشجويان نيز گزينه «كم» را انتخاب كردند. هيچيك از آنان گزينه‌هاي «خيلي‌كم» و «اصلاً» را انتخاب نكرد. 13/39 درصد از دانشجويان روانشناسي نيز معتقدند كه آيندة شغلي اين رشته «خيلي‌زياد» و «زياد» مطلوب مي‌باشد و 87/60 درصد ديگر گزينه‌هاي «كم»، «خيلي‌كم» و «اصلاً» را انتخاب كردند.

از اين ارقام چنين استنباط مي‌شود كه هرچند 20 درصد از دانشجويان رشته روانشناسي در زمان دانشجويي شاغل‌اند، ولي درصد قابل توجهي از اين دانشجويان آيندة شغلي اين رشته را مطلوب نمي‌بينند. به عكس، دانشجويان كتابداري ديدگاه مثبت‌تري دربارة آيندة شغلي خود دارند. دياني (1381) نيز در تحقيق خود رضايت دانشجويان كتابداري از شرايط بعد از فارغ‌التحصيلي را گزارش كرده‌است. توجه تدريجي نهادها و ادارات به نيروهاي متخصص رشتة كتابداري و اطلاع‌رساني و نيز كم‌‌بودن تعداد افراد فارغ‌التحصيل در اين رشته، عواملي هستند كه اين اميدواري را توجيه مي‌كنند.

**4. كارآمدي و مطلوبيت اساتيد دروس تخصصي و پايه**

61/82 درصد از دانشجويان كتابداري، اساتيد دروس تخصصي خود را «خيلي‌زياد» و «زياد» كارآمد و مطلوب مي‌دانند و فقط 39/17 درصد از آنان گزينه‌هاي «كم» و «خيلي‌كم» را انتخاب كردند؛ هيچ‌كس گزينه «اصلاً» را انتخاب نكرد.

73/72 درصد از دانشجويان روانشناسي نيز، اساتيد دروس تخصصي خود را «خيلي‌زياد» و «زياد» كارآمد و مطلوب مي‌دانند و فقط 27/27 درصد گزينه‌هاي «كم» و «خيلي‌كم» را انتخاب كردند و هيچكس گزينه «اصلاً» را انتخاب نكرد. با توجه به اين‌كه رشتة روانشناسي دانشجوي دورة دكتري نيز دارد، طبعاً اساتيدي كه مرتبة علمي بالاتر و سابقة خدمت طولاني‌تري دارند بيشتر در اين دوره تدريس مي‌كنند.

بدين‌ترتيب، اكثريت قابل‌توج‍ّهي از دانشجويان اين دو گروه، اساتيد خود را كارآمد و مطلوب مي‌دانند. اين نكته از جنبه‌هاي بسيار مثبت، و نشانگر توان بالاي علمي اين گروه‌ها مي‌باشد و وظايف اساتيد و مربيان اين رشته‌ها را براي غناي هرچه بيشتر دانش خود و انتقال آن به دانشجويان و هدايت آنان سنگين‌تر مي‌كند. اين بخش از تحقيق با يافته‌هاي دياني (1381) در دانشگاه فردوسي همخواني ندارد.

**5. ميزان شناخته‌شد‌گي رشته در سطح كشور**

هيچيك از دانشجويان كتابداري گزينه‌هاي «خيلي‌زياد» و «زياد» را انتخاب نكرده‌اند و همة آنان به اتفاق معتقدند كه اين رشته در سطح كشور «كم» يا «خيلي‌كم» شناخته‌شده، يا اصلاً شناخته شده نيست. در اين ميان بيشترين تعداد (82/47 درصد) به طبقه «خيلي‌كم» تعل‍ّق دارد.

از طرف ديگر، 29/17 درصد از دانشجويان روانشناسي گزينة «زياد» را انتخاب كرده‌اند و 61/82 درصد ديگر معتقدند كه اين رشته در سطح كشور «كم» يا «خيلي‌كم» شناخته شده يا «اصلاً» شناخته شده نيست. در اين ميان بيشترين تعداد (17/52 درصد) به طبقه «كم» تعلق دارد.

مقايسة اين ارقام نشان مي‌دهد كه دانشجويان هر دو گروه معتقدند كه افراد جامعه چندان با رشتة تحصيلي آنان آشنا نيستند و اين امر كه بخصوص در مورد دانشجويان رشته كتابداري محسوس‌تر مي‌باشد، ممكن است اثرات منفي ازجمله بي‌علاقگي به انتخاب اين رشته توسط داوطلبان كنكور، نبود انگيزه و نهايتاً ايستايي و ركود در دانشجويان اين رشته‌ها را درپي داشته باشد.

**6. تغيير نام رشته به منظور تشويق داوطلبان كنكور به انتخاب آن**

96/86 درصد از دانشجويان كتابداري به ميزان «خيلي‌زياد» و «زياد» معتقد به تغيير نام اين رشته هستند و فقط 04/13 درصد به اين سؤال پاسخ «كم» و «اصلاً» داده‌اند. دربرابر، 08/9 درصد از دانشجويان روانشناسي به ميزان «خيلي‌زياد» و «زياد» معتقد به تغيير نام اين رشته هستند و 92/90 درصد ديگر به اين سؤال پاسخ «كم» و «اصلاً» داده‌اند كه بيشترين تعداد (37/36 درصد) مربوط به گزينه «اصلاً» است.

با نگاهي اجمالي به اين ارقام، به وضوح مي‌توان دريافت كه دانشجويان كتابداري، برخلاف دانشجويان روانشناسي، از نام رشتة تحصيلي خود ناراضي هستند و معتقدند كه نام اين رشته با ماهيت آن همخواني ندارد و نشان‌دهندة فلسفة وجودي خدمات و وظايف اين رشته نيست. اين نكته مكرراً به‌طور شفاهي و كتبي (پرسشنامه) از طرف دانشجويان كتابداري مورد تأكيد قرار گرفته و يكي از علل بي‌علاقگي و نارضايتي آنان در ارتباط با اين رشتة تحصيلي است.

**7. تأثير كارورزي و كارآموزي و افزايش علاقه به رشته**

نيمي از دانشجويان كتابداري معتقدند كه شركت در كلاس‌هاي كارورزي و كارآموزي، آنان را «خيلي‌زياد» و «زياد» به رشتة تحصيلي‌شان علاقه‌مند كرده و 50 درصد ديگر گزينه‌هاي «كم» و «خيلي‌كم» را انتخاب كرده‌اند؛ هيچيك از آنان گزينه «اصلاً» را انتخاب نكرده.اما همة دانشجويان روانشناسي معتقدند كه شركت در اين كلاس‌ها، آنان را «خيلي‌زياد» و «زياد» به رشتة تحصيلي‌شان علاقه‌مند كرده‌است.

به اين ترتيب به نظر مي‌رسد ضمن اين‌كه شركت در كلاس‌هاي كارآموزي و كارورزي تأثير بسيار زيادي در علاقه‌مندكردن اين دو گروه از دانشجويان به رشتة تحصيلي خود داشته، دانشجويان روانشناسي بيش از دانشجويان كتابداري از اين كلاس‌ها تأثير مثبت گرفته‌اند. نبود امكانات كافي در كتابخانه‌ها، ايستايي بسياري از بخش‌هاي اصلي كتابخانه‌ها و كمبود افراد متخصص در بسياري از كتابخانه‌ها، كارورزي را براي گروه بزرگي از دانشجويان، كسل‌كننده و ناسودمند كرده است.

**8 . توصيه به ديگران براي انتخاب اين رشتة دانشگاهي**

83/47 درصد از دانشجويان كتابداري انتخاب اين رشتة دانشگاهي را به ميزان «خيلي‌زياد» و «زياد» به ديگران توصيه مي‌كنند، ام‍ّا 17/52 درصد از آنان به اين سؤال، پاسخ «كم»، «خيلي‌كم» و «اصلاً» داده‌اند و بيشترين تعداد (74/21 درصد) به طبقه اصلاً تعلق دارد. از سوي ديگر 14/57 درصد از دانشجويان روانشناسي انتخاب اين رشتة دانشگاهي را به‌ميزان «خيلي‌زياد» و «زياد» به ديگران توصيه مي‌كنند؛ اما 86/42 درصد از آنان به اين سؤال پاسخ «كم» و «اصلاً» داده‌اند و بيشترين تعداد (10/38 درصد) به طبقه «كم» تعل‍ّق دارد.

**9. توانايي اظهارنظر دربارة ماهيت يا اهميت رشته**

82/47 درصد از دانشجويان كتابداري به ميزان «خيلي‌زياد» و «زياد» قادر به توضيح دربارة اهميت و ماهيت رشتة تحصيلي خود هستند، اما 18/52 درصد ديگر به اين سؤال، پاسخ «كم»، «خيلي‌كم» و «اصلاً» داده‌اند. ولي 36/86 درصد از دانشجويان رشتة روانشناسي به ميزان «خيلي‌زياد» و «زياد» قادر به توضيح دربارة اهميت و ماهيت رشته تحصيلي خود مي‌باشند و 64/13 درصد ديگر به اين سؤال پاسخ كم داده‌اند؛ هيچيك از آنان گزينه‌هاي «خيلي‌كم» و «اصلاً» را انتخاب نكرده.

اين‌ها نشان مي‌دهد كه درصد بالايي از دانشجويان كتابداري، بعد از گذشت چند ترم و گذراندن واحدهاي درسي زياد، هنوز قادر به توضيح دربارة ماهيت و اهميت رشتة تحصيلي خود نيستند؛ ام‍ّا درصد بالايي از دانشجويان روانشناسي قادرند در اين باره توضيح دهند و از اعتماد‌به‌نفس بالاتري برخوردارند. پاسخ به اين سؤال كه دانشجويان كتابداري چگونه بعد از گذشت چند ترم هنوز به شناخت كافي از رشته تحصيلي خود دست نيافته‌اند شايستة انجام پژوهش ديگري است.

**بحث و نتيجه‌گيري**

بررسي نتايج به‌دست‌آمده از اين تحقيق نشان مي‌دهد با اين‌كه درصد دانشجويان كتابداري كه اميد بيشتري به آيندة شغلي خود دارند بيش از روانشناسي است، اما حتي اين عامل قوي نتوانسته در شمار بسياري از آنان ايجاد انگيزه و علاقه نمايد و عدة كثيري از آنان مأيوسانه و بدون اشتياق به تحصيل ادامه مي‌دهند. اين نتايج همچنين نشان مي‌دهند كه دانشجويان رشته روانشناسي نه تنها با علاقه و شناخت بيشتري رشتة تحصيلي خود را انتخاب كرده‌اند، بلكه با انگيزه و رضايت‌مندي بيشتري به تحصيل اشتغال دارند. بسياري از دانشجويان كتابداري با وجود گذراندن چند ترم تحصيلي قادر نيستند دربارة ماهيت و اهميت رشتة تحصيلي خود سخن گويند؛ اين دانشجويان از سرفصل‌ها و محتويات دروس خود راضي نيستند و آن‌ها را غيرروزآمد و نامناسب مي‌دانند. بسياري از آنان از ناشناختگي رشتة خود براي جامعه، پايين‌بودن كيفيت سرفصل‌هاي دروس و محتويات آن‌ها، و نام نامناسب اين رشته شكايت دارند و معتقدند كه نام اين رشته به‌خوبي قادر به انتقال ماهيت واقعي اين رشته نيست و از اين عامل به عنوان يكي از علل اصلي نااميدي و بي‌انگيزگي خود نام مي‌برند. درحالي‌كه دانشجويان روانشناسي از سرفصل دروس خود و محتويات آن‌ها رضايت بيشتري دارند و معتقدند كه نام رشتة تحصيلي آن‌ها به‌راحتي ماهيت آن را نشان مي‌دهد.

با اين‌كه رشته كتابداري و اطلاع‌رساني با سرعت و قدرت زيادي جاي خود را در ميان ديگر علوم و فنون باز مي‌يابد، اين يافته‌ها نشان مي‌دهند هنوز در كشور ما به آموزش سن‍ّتي و غيرروزآمد اين رشته بسنده مي‌شود كه حاصل آن، فارغ‌التحصيلان بي‌انگيزه و بي‌مهارت مي‌باشد. بنابراين ضرورت دارد مسئولان و متخصصان دست‌اندركار تدريس و برنامه‌ريزي اين رشته به بازنگري در سرفصل دروس و روزآمدسازي و غني‌كردن محتواي آن‌ها اقدام نمايند و گروه‌هاي كتابداري از امكانات و لوازم مناسب براي آموزش مهارت‌هاي لازم به دانشجويان برخوردار باشند. تجهيز كارگاه گروه‌ها به رايانه‌هايي با توان بالا و به تعداد كافي، راه‌اندازي شبكه‌هاي داخلي كتابخانه‌اي و بهره‌برداري دانشجويان از جستجوي اطلاعات به‌صورت پيوسته مي‌تواند در متحول‌ساختن چهرة اين رشته بسيار مؤثر باشد.

نكتة قابل توجه ديگر، نقش كمرنگ رسانه‌هاي گروهي، دبيران، اساتيد و كتابداران در معرفي اين رشته به جامعه خصوصاً داوطلبان مي‌باشد؛ درحالي‌كه بيشتر دانشجويان به ترتيب از رسانه‌هاي گروهي، معلمان و دبيران مدارس، و نيز وجود زمينه‌هاي شغلي مناسب به عنوان عوامل مؤثر در تشويق افراد به انتخاب اين دو رشته توسط دانشجويان اين دو گروه ياد مي‌كنند.

مشاهده مي‌شود كه در كشور ما نه تنها والدين، بلكه افراد مرجع و مطلع نظير دبيران و اساتيد نقش چنداني در هدايت تحصيلي داوطلبان كنكور ندارند. «باربارا ديويي» (1985) در تحقيق خود دربارة دانشجويان رشته كتابداري دانشگاه «اينديانا» از كتابداران به‌عنوان يكي از عوامل مهم در جلب و هدايت داوطلبان براي ادامة تحصيل در اين رشته نام مي‌برد. اين درحالي است كه ذهني‍ّت جامعة ما نسبت به كتابداري و كتابداران مأيوس‌كننده مي‌باشد. آن‌ها از كتابداران به عنوان افرادي ياد مي‌كنند كه صرفاً به كار نگهداري و جابجايي كتاب مي‌پردازند، كاري كه به زعم آنان هر فردي قادر به انجام آن هست و نيازي به تخصص و تحصيل ندارد. اين طرز فكر موجب شده كه رشته كتابداري از نظر آنان كم‌بها جلوه كند.

نكتة آخر اين‌كه دانشگاه‌ها، مدارس، مراكز فرهنگي و رسانه‌هاي گروهي بايد در معرفي و شناساندن رشته‌هاي تحصيلي و مشاغل اجتماعي به مردم توجه بيشتري كنند و به يافتن جايگاه اجتماعي مناسب براي رشته‌هاي ناشناخته ياري نمايند.

**منابع**

دي‍ّاني، محمدحسين (1381) «نظرات و عملكرد تحصيلي دانشجويان رشته‌هاي رياضي/ تجربي/ علوم‌ انساني/ اجتماعي در دوره كارشناسي كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه فردوسي مشهد»، **كتابداري و اطلاع‌رساني**، ج 5، ش 3، (پاييز 1381): 46ـ21.

صالحي، پرويز (1369) **«بررسي ويژگي‌ها و گرايشها و مسائل آموزشي و دانشجويي دانشگاه علوم پزشكي ايران»** تهران: مركز تحقيقات علوم بهداشتي دانشگاه علوم پزشكي ايران.

قاليچي خواجوي، اقبال (1359) **«ميزان رضايت از انتخاب رشته تحصيلي مددكاري در بين دانشجويان مددكاري در مقطع ليسانس»** پايان‌نامه كارشناسي ارشد مدرسه عالي خدمات اجتماعي.

كتابچي، حسين (1343) **«بررسي درباره هدف دانشجويان دانشگاه از انتخاب رشته تحصيلي خود»** پايان‌نامه كارشناسي ارشد مؤسسه مطالعات و تحقيقات اجتماعي، دانشگاه تهران.

مشهدي تفرشي، شكوه (1372)، **«بررسي عوامل مرتبط با انتخاب رشته تحصيلي در ميان دانشجويان مقطع كارشناسي»** پايان‌نامه كارشناسي ارشد دانشكده مديريت و اطلاع رساني پزشكي، دانشگاه علوم پزشكي ايران.

Becker, Judith and Jean Lorenc (1988) **"An analysis of the search stage of the college choice process undertaken by community transfer student"**. University of Chicago, P.H.D. Dissertation.

Dewey, Barbara (1985) "Selection of Librarianship as a Career: Implication of Recruitment", **Journal of Education for Library and Informatin Science**, (12) 16-24.

Jakson, Gregory A. (1982). "Public Efficiency, Private Choice in Higher Education", **Educational Evaluation and Policy Analysis**, Vol. 4, No. 2,237-247.

Reagan, A.L (1985). "A study of Factors Insluencing College Students to Become Librarians" (1985) In: **12th CRI Monographs of the Chicago 3**. Association of College and Research Libraries.

1. Paired samples t-test

2. Independent samples t-test